العبد المذنب الراجی الفقیر الحقیر اقل الکتاب فتحعلی

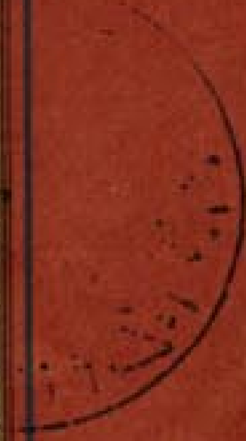
الشیرازی المتخلص بحجاب عفی الله عنه و عن جرائمه فی سنه ۱۲۶۰





از سخن مطلبی در سخن گوست دوستی او بلاست ای من غلام

آنکه ببلای او مبتلاست بلا نیکو بود زیرا که در میان بلا



وقتی خوش تعالی

محقق شود از احوال دوران

مشقه



تا جهان باشد محمد شاه باشد کامکار

تا فلک دوّار دارد دور شاهی او برقرار

کتبه العبد المذنب الفقیر الحقیر اسد الله شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۲



و نه آدمیزاد آنچه در صوف بود صوفی شناختم چون
معنی بل انتم بشر دریافتم اصل توحید از عقول برتر است
عین توحید از توهم مصون است دانم که هست ندانم
که چون است شریعت در طریقت بوی است و طریقت
در حقیقت جوی است شریعت کشتی و طریقت بحر
و حقیقت ملاح شریعت چیست بادیه طریقت چیست
بادیه حقیقت چیست جاذبه ای جوانمرد آنچه در دل



مردان نهان است آن را جوی که به از هردو جهان است
اول بدایت محکم کن و آنگه بر نهایت طمع مبرم کن از
بدایت نهایت مساز و با حق و الک مباز بدایت
همه درد است و نیاز نهایت همه راز است و ناز
العبد المذنب الراجی کاتب الحضرت السلطان محمد
حسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی دار الخلافه
طهران سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۳۰۴

السلطان بن السلطان بن السلطان محمد شاه قاجار

السلطان بن السلطان بن السلطان محمد شاه قاجار

دوست مشمار آنکه در نعمت زند
لاف یاری و برادرخواندگی
دوست آن دانم که گیرد دست دوست
در پریشان حالی و درماندگی

[illegible] العبد المذنب [illegible] مولانا [illegible] علی علیه الرحمه
[illegible] غفر ذنوبه [illegible]
شهر محرم الحرام سنه ۱۲۰۴

خراب شود که مارا معطل کردند خداهندا

وکن من الشاکرین در جمادی الاولی ۱۲۶۴

بنده درگاه شاهنشاه جهانیان پناه السلطان

محمد شاه غازی خلد الله ملکه و دولته

محمد ابراهیم طهرانی از نگارش این الحجسته

کتاب مستطاب بهره یاب آمد امید است

که منظور نظر کیمیا اثر قبله عالم و عالمیان



بسم الله الرحمن الرحیم

لا آله لا له ایست از باغ هدایت که کلمه وار
میل الف احدیت دروی نهاده اند و بدان
کلمه و میل کورد لا را پنبای مشابه الا الله که مشار الیه
با لله اثبت داده
در صورت لا آله الا الله پین
تا از الف و لام شود ده علمت

رباعیه

و ز شکل دو پا چهار رکن جسیم نقش من
مشهود ستر فواتحه بر عرش برین

و محمد رسول الله چشمه سارست که از دو چشمه میم محمد
که مجاری دو چشمه های الله اند شراب شهادت

العبد اسد الله شیرازی فی شهر محرم ۱۲۰۵

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

رضا بداده بده وز جبین گره بگشا

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

که بر من و تو در اختیار نگشادست

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

بنال بلبل عاشق که جای فریاد است

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد

در دار السلطنه اصفهان نوشته شد

که این عجوزه عروس هزار داماد است

فی شهر رمضان المبارک سنة ۱۰۲۴

الفقیر کتبه العبد المذنب عماد الحسنی غفر ذنوبه و ستر عیوبه



بدار الخلافه طهران

الفقیر الحقیر المذنب بنده درگاه

مقصود خدا علی و اولاد علی ست

۱۲۲۴

خلایق پناه محمد حسین الشیرازی غفر له



هو الوهاب

هو العزیز الرحیم

قصد شهرت نبود جامی را
کیست همه رطب ابدار او پشت

بدار الخلافه طهران شد

به احسان مختصر دو
بلکه حسن یادگار او پشت

کتبه العبد المذنب اسدالله الشیرازی
غفر ذنوبه و ستر عیوبه

چاکر آستان … اسدالله شیرازی ۱۲

چاکر آستان … اسدالله شیرازی ۱۲



السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان السلطان الغازی والخاقان [illegible]

اختیاری در سفر بود مرا

رشته در گردنم افکنده دوست

منزلم گه کعبه سازد گاه دیر

الفقیر الحقیر المذنب الراجی اسدالله شیرازی غفر ذنوبه وستر عیوبه ۱۲۰۷

می کشد هر جا که خاطر خواه او

چند گردم بهر لیلی گرد حی

نه ز لیلی پای می پیچم نه حی

گر بمیرم در غم لیلای خویش

یا کرام الحی لا تاسوا علی

[illegible] فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۰۷

بر ایشان یعنی قبل از وجود بمعرض غضب تو در آمده اند
و بدان سبب بر کفر اقدام نموده یا راه جهودان که
بسبب تمرد و معاندت و مکابره و قتل انبیا علیهم السلام
و تحریف کتب بر ایشان خشم گرفته
و نه راه گمراهان یعنی کسانی که بعد از وجود در طرق مختلفه
و سبل منحرفه افتاده اند یا راه ترسایان که بواسطه افراط
در شان مسیح و تفریط در شان حبیب صلوات الله و سلامه
علیهما گمراه گشته اند
تمت بعون الله کتبه الفقیر الحقیر المذنب عماد الحسنی
عفی عنه

[illegible]

[illegible]

مشقه العبد ... الله شیرازی

... شیرازی